

## تحلیل و نقد تاریخی نظریه مسئله نبودگی حجاب در قرن اول هجری - قمری

ناهید طیبی\*، نعمت‌الله صفری فروشان<sup>۲</sup>

### چکیده

حجاب و مسئله موضوعیت و بودگی آن در قرن اول هجری - قمری از جمله مباحث مبنایی پوشش و حجاب بانوان است. پژوهش حاضر به روش اسنادی - تحلیلی و با هدف بررسی و تحلیل مستندات تاریخی در مسئله پوشش زنان در قرن اول هجری - قمری و نوع رویارویی پیامبر ﷺ و دیگر پیشوایان دینی صدر اسلام با بی‌حجابی و ناپوشیدگی زنان انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مکتوب علمی اعم از کتب و مقالات و گزارش‌های مربوطه بررسی گردید و این ادعا که نبود گزارشی تاریخی از مخالفت و مقابله پیامبر ﷺ و پیشوایان دینی صدر اسلام با بی‌حجابی و عدم مؤاخذه و مجازات افراد بی‌حجاب، مسئله نبودگی حجاب در صدر اسلام را نشان می‌دهد، نقد و بررسی شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که نقش پوشش زنان در وقوع بعضی نبردها، اعتراض افکار عمومی به کم‌حجابی برخی زنان، تغییر پوشش زنان پس از نزول آیات حجاب و تأکید بر مسئله پوشش زنان در گزارش‌های مربوط به اسرای کربلا حکایت از موضوعیت حجاب در صدر اسلام دارد. همچنین وجود گزارش‌های تاریخی در مورد مقابله ایجابی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در قالب دستور، توصیه و یا دعا برای حجاب داشتن زنان و برخوردهای سلبی ایشان در قالب نهی بی‌حجابی و روی‌گرداندن از زنان بی‌حجاب، از جمله گزارش‌های نقض‌کننده ادعای مذکور است و موضوعیت حجاب در صدر اسلام را تأیید می‌کند.

**واژگان کلیدی:** حجاب زنان، مسئله بودگی حجاب، نقد تاریخی نبودگی حجاب،

سیره پیامبر ﷺ، سیره اهل بیت علیهم السلام، تاریخ صدر اسلام.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹  
۱. دکتری تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی علیه السلام، قم، ایران.

Email: tayyebi11@yahoo.com

https://orcid.org/۳۵۵۶-۸۹۰۲-۰۰۰۱-۰۰۰۰

۲. استاد گروه تاریخ اهل بیت علیهم السلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ و سیره و تمدن، جامعه المصطفی علیه السلام، قم، ایران.  
(نویسنده مسئول)

Email: nsafari@gmail.com

\* این مقاله حاصل رساله دکتری ناهید طیبی می‌باشد.

## A Historical Analysis and Critique of the Theory of the Absence of Hijab in the First Century AH

Nahid Tayebi<sup>1</sup>, Nematollah Safariforoushan<sup>2</sup>

The issue of Hijab and its presence in the first century AH is among the basic issues of women's cover and Hijab. This documentary-analytical study was conducted with the aim of analyzing historical documents about the issue of women's Hijab in the first century AH and how of the Prophet Mohammad's and other religious leaders' behavior with women without the Hijab at the beginning of Islam; thus, all related written sources including scientific books, articles, and related reports were reviewed, and this claim was analyzed and criticized that there is not a historical report showing the Prophet Mohammad and the religious leaders of beginning of Islam confronted and disagreed with the non-Hijab and they punished women without the Hijab. According to the results, the followings confirm the presence of Hijab at the beginning of Islam: the role of women's cover in happening some wars, the public protest against some women without the Hijab, the change of women's cover after the descent of Hijab verses, and the emphasis on women's cover in the reports of the captives of Karbala. In addition, there are some historical reports that reject the mentioned claim and confirm the presence of Hijab at the beginning of Islam, such as positive confrontation of the Prophet Mohammad and Imam Ali in the form of orders, advices, or prayers for women to wear the Hijab and their negative behaviors in the form of forbidding the non-Hijab and turning away from women without the Hijab.

**Keywords:** women's Hijab, the issue of the presence of Hijab, historical critique of the absence of Hijab, the Prophet Mohammad's tradition, Ahl al-Bayt's tradition, history of the beginning of Islam.

---

**Paper Type:** Research

**Data Received:** 2021 / 05 / 19    **Data Revised:** 2021/ 10 / 31    **Data Accepted:** 2021/ 12 / 19

1 . Ph. D. in History of Ahl al-Bayt, Bent al-Hoda University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.  
Email: tayyebi110@yahoo.com

2. Professor, Department of History of Ahl al-Bayt, University of History, Tradition, and Islamic Civilization, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: nsafari@gmail.com

## ۱. مقدمه

حجاب از مقولات شرعی و اجتماعی اسلامی بوده که در طول تاریخ با رویکردهای متفاوت، تحلیل و بررسی شده است. برخی حجاب پژوهان در دوره معاصر با رویکرد و داده‌ها و شواهد تاریخی به بازپژوهی احکام شرعی و گزاره‌های مرتبط با حجاب پرداخته‌اند که ثمره این پژوهش‌ها به رد، اثبات و یا تغییر و بازنگری در احکام فقهی حجاب می‌انجامد. یافته‌های فقهی از این دست نیازمند نقد روشمند با رویکرد تاریخی و بهره‌مندی از واحدهای اطلاعاتی و قراین تاریخی متکی به منابع متقدم است. با توجه به ایجاد جریان‌های اجتماعی عصر حاضر با محوریت حجاب، ضرورت این‌گونه تحقیقات بیشتر می‌شود. به ادعای برخی، گزارشی تاریخی از مخالفت و مقابله پیامبر ﷺ و پیشوایان دینی صدر اسلام با بی‌حجابی وجود ندارد و هیچ حدیثی مبنی بر اینکه در حکومت پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام و حتی خلفا و حکام اسلامی، کسی را بر عدم رعایت حجاب مؤاخذه و مجازات کرده باشند، نقل نشده است. (ایازی، ۱۳۸۶) این ادعا برای اثبات عدم ورود و دخالت دولت اسلامی در حیطه حجاب زنان مطرح شده است و در پی آن، مسئله نبودگی حجاب در عصر نبوی و صدر اسلام طرح می‌شود (ترکاشوند، ۱۳۸۸). دیدگاه فوق‌باتوجه به وجود گزارش‌های تاریخی معارض با این مستندات قابل نقد است. نوشتار حاضر درصدد است به روش تاریخی و با ارائه گزارش‌هایی که از سویی نشانگر مسئله بودگی حجاب و از سوی دیگر، نمایانگر برخورد متناسب با زمانه مذکور از ناحیه اهل بیت علیهم السلام با بی‌حجابی و بدحجابی است به نقد این ادعا بپردازد.

## ۲. چهارچوب نظری پژوهش

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر کنون تحقیقات مختلفی انجام شده است. عشایری منفرد (۱۳۹۳) با جست‌وجو در منابع لغوی، روایی، تاریخی و ادبی به مطالعه امکانات فرهنگی و اجتماعی عصر جاهلی و صدر اسلام پرداخته تا ثابت کند آیا فرهنگ پوششی آن روزگار مانع از تحقق حجاب شرعی حداکثری می‌شده است یا خیر. دهقان و عشایری منفرد (۱۳۹۸) در پژوهش خود با استناد به گزارش‌هایی در مورد معماری شبه جزیره عربستان، ارتباط حجاب و فرهنگ پوشیدگی با معماری در عصر پیامبر ﷺ را بررسی کرده است و شاه‌سنایی



و طباطبایی (۱۳۹۶) در پژوهش خود با استفاده از منابع ادبی و گزارش‌های تاریخی درصدد اثبات وجود حجاب حداکثری در صدر اسلام بوده است. اگرچه هر سه پژوهش فوق مرتبط با مسئله پژوهش حاضر است، اما بیشتر بر تاریخ اجتماعی عصر جاهلی و صدر اسلام متمرکز شده و سیره و گزارش‌های مربوط به رویارویی پیامبر ﷺ با حجاب زنان را بررسی نکرده‌اند. پژوهش حاضر به نقد ادعای مسئله نبودگی و عدم برخورد با بی‌حجابی در عصر پیامبر ﷺ براساس سیره و مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. مقاله بازتاب گفتمان حریم جنسیتی پیامبر ﷺ در صدر اسلام (الویری، موسوی‌نیا، ۱۳۹۸) از مباحث مهم و مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است که البته قلمروی موضوعی نوشتار حاضر گسترده‌تر است. همچنین شاه‌سنایی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با استفاده از منابع تاریخی، تفسیری و ادبی به ویژه اشعار جاهلی و با رویکرد اثباتی به مسئله بودگی به نقد نظریه حجاب حداقلی در عصر جاهلی و دلایل مدعیان پرداخته است. مشکانی سبزواری (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود سیره معصومین علیهم السلام و نوع مواجهه آنان با بدحجابی و تبیین آن در دو مقام تبلیغ و ترویج فرهنگ پوشش (جهت اثباتی) و مقابله و مبارزه با بدپوششی (جهت سلبی) را بررسی کرده است. آثاری هم با رویکرد مخالف مسئله بودگی حجاب در صدر اسلام به نگارش درآمد که از جمله این آثار، کتاب/ احکام بانوان در شریعت محمدی اثر قابل (۱۳۹۲) می‌باشد که حاوی فتوای منفرد و مشهور وی مبنی بر استحباب - نه و خوب - پوشش سر و گردن زنان و بیان مستندات این فتوا در فقه استدلالی و سپس پاسخ به نقد مصطفی حسینی طباطبایی و پاسخ به هفت پرسش دیگر در زمینه حجاب است. حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ نوشته ترکاشوند (۱۳۸۰) حجیم‌ترین اثری است که با استناد به شواهد تاریخی عصر پیامبر ﷺ حکم شرعی حجاب را بررسی کرده است. ادعای مورد نقد در پژوهش حاضر در کتاب ترکاشوند به طور مبسوط مطرح شده است. گشودن دریچه‌ای جدید برای حجاب پژوهان، کثرت تتبع و آزادی قلم از نکات مثبت این اثر است و حجیم بودن و بیان نکات تکراری و غیرلازم و حتی غیر مرتبط در برخی مواضع کتاب، عدم بهره‌مندی از روش مشخص علمی در نقل و نقد داده‌ها و برخورد گزینشی در انتخاب روایات و در مواردی قضاوت‌های جانبدارانه از نقاط ضعف آن می‌باشد.

کتاب *زنان در آرای فقهی-پژوهشی گزارشی پیرامون نگرش فقه اسلامی به حقوق زنان* (موسوی عقیقی، ۱۳۹۸) با مطالعه انتقادی به مباحث زنان در ده فصل نوشته شده است که فصل هشتم آن با عنوان *در حجاب بودن زنان*، مباحثی مانند حجاب الزامی، عورت بودن زنان که به نظر نویسنده مستند اصلی پوشش زنان در فقه سنتی است و عدم حجاب زنان کنیز و غیر مسلمان را بیان می‌کند. نویسنده کتاب فوق هدف خود را نشان دادن وجه تمایز میان اسلام فقاهتی سنتی با اسلام عقل‌پذیر رحمانی ذکر کرده است. مطالب کتاب بیشتر گزارشی بوده و تحلیل کمتری به چشم می‌خورد. به نظر وی تفسیر حاضر از اسلام (بنا بر نگرش سنتی) نگرشی غیرمعقول به زنان دارد هرچند با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی نگرش‌ها تا سطح مناسبی تغییر کرده است.

در مجموع، اثری که به‌طور مستقل با استفاده از گزارش‌های تاریخی به نقد ادعای مسئله نبودگی حجاب در عصر نبوی و برخورد پیامبر ﷺ و ائمه اهل‌بیت با بدحجابی یا بی‌حجابی پرداخته باشد، دیده نشد و پیشینه‌های یاد شده به‌طور ضمنی بخشی از پژوهش حاضر را حمایت می‌کنند.

## ۱-۲. طرح ادعای مسئله نبودگی حجاب در صدر اسلام

در برخی از منابع با موضوع حجاب، ادعای نبودگی حجاب در صدر اسلام مطرح شده است و گفته می‌شود اسلام دغدغه اصلاح پوشش زنان را نداشته و توصیه‌ها درباره حجاب زن و مرد در حد پوشاندن عورتین بوده که در بسیاری از موارد بر آن هم اصرار چندانی نبوده است. مشکل مهمتر از حجاب در عصر نزول، نبودن حریم بین زن و مرد و اختلاط آنها بود. این موضوع، مسئله‌ای عادی و پیش‌پاافتاده بوده و مجموعه آیات و روایات حجاب می‌خواستند مشکل حریم خصوصی را حل کنند. برهنگی در جامعه اسلامی امری عادی و کم‌اهمیت بود و پیامبر ﷺ تنها تدابیری اندیشید تا نمازگزاران هنگام نماز نگاهشان به شرمگاه یکدیگر نیفتد (ترکاشوند، ۱۳۸۰). گزارش‌ها نشانگر آن است که مشکل نبود حریم خصوصی برای افراد به‌علت نوع معماری منازل، فرهنگ اختلاط بین زن و مرد و سطح فرهنگ ساکنان شبه جزیره عربستان بوده است نه نوع پوشش آنها؛ دغدغه پیامبر ﷺ نیز همین موارد بوده است. ثمره بحث این خواهد بود که برای شرعی بودن حجاب در عصر



حاضر دلیلی باقی نمی‌ماند و این میزان تشویش خاطر و نگرانی ناشی از برهنگی و این اندازه اهمیت شرعی و اخلاقی نسبت به پوشش و حجاب در دوره کنونی هرگز در میان مؤمنان صدر اسلام وجود نداشته و دین و اخلاق را تا این اندازه با حجاب و پوشش گره نزده بودند. جامعه عصر نزول اگر در شرایط برهنگی قرار می‌گرفتند اضطراب و ترس از دیده شدن نداشته و احساس گناه هم نمی‌کردند و بدون آنکه احساس بدی از اوضاع داشته باشند، وقت نماز که فرامی‌رسید با گزاردن دست بر روی شرمگاه به نماز مشغول می‌شدند و در واقع نماز آنان حتی به دلیل فقدان آزار متوقف نمی‌شد. (ترکاشوند، ۱۳۸۰) البته در این منابع، آزار به معنای دامن جداگانه برای اطمینان از پوشیدگی کمر تا زانو بوده است (ر.ک.، ترکاشوند، ۱۳۸۰). از مستندات این ادعا، پرسش‌های مسلمانان از امامان علیهم‌السلام بخواند و پاسخ‌های دریافت شده از ایشان در مورد کسی است که به دلایلی عریان بوده و می‌خواست نماز بخواند. مجموعه این پرسش‌ها هفت مورد بوده و در *وسائل‌الشیعه* با یک عنوان گردآوری شده است. این پرسش‌ها به حالت اضطرار اختصاص دارد نه عادی، مانند اینکه پرسیده شده است وظیفه مردی که لباس‌هایش روده شده و عریان از کشتی بیرون می‌آید، در نماز چیست؟ و امام پاسخ می‌دهد که چه مرد و چه زن، دست بر شرمگاه خود قرار داده، نماز بخواند. همچنین از وظیفه مردی که برهنه بیرون می‌رود و لباسی ندارد، یا نماز جماعت خواندن گروهی که همه لخت هستند و... پرسیده شده است. (ر.ک.، العاملی، ۱۴۰۹ه.ق، ۴/۴۴۹)

در پی این ادعا، مبحث عدم برخورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با بی‌حجابی به دو شکل مطرح شده است: نخست، عدم تعیین مجازات برای بدحجابی یا بی‌حجابی و نبود گزارشی مبنی بر مؤاخذة، سرزنش و برخورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام و دیگر خلفا و حکام با بی‌حجابی در جامعه اسلامی. دوم، عدم تعیین مجازاتی خاص در متون فقهی و حقوقی برای بدحجابی و بی‌حجابی. از این رو، بی‌حجابی یا بدحجابی در قانون مجازات اسلامی در شمار جرایم تعزیری قرار می‌گیرد. در دوران کنونی، قانون‌گذار در ماده ۶۳۸ قانون مدنی، مجازات کسانی را که در انظار عمومی تظاهر به عمل حرامی کنند علاوه بر کیفر عمل، حبس از ده روز تا دو ماه یا ۷۴ ضربه شلاق تعیین کرده است. در تبصره این ماده به‌طور مشخص به مجازات زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، اشاره شده است.



برخی معتقدند در مورد حجاب نه تنها شواهدی مبنی بر حکومتی بودن آن وجود ندارد بلکه مواردی در تاریخ شیعه نیست که زنی به دلیل رعایت نکردن حجاب مجازات شده باشد، حتی روایات زیادی وجود دارد که الزام زنان به رعایت حجاب و تقصیر آنان در ترک حجاب را به گردن همسرانشان می‌گذارد نه حکومت. از این رو، احکام حجاب فاقد ضمانت اجرای اجتماعی است. (صدر، ۱۳۸۲) در سنت رسول خدا ﷺ و سیره ائمه علیهم‌السلام هیچ موردی از اجبار یا مجازات در امر حجاب گزارش نشده و در هیچ روایت معتبری برای ترک‌کننده آن عقاب تعیین نشده است و گناه کبیره بودن آن هم اجماعی نیست. دلیل عقل یا سیره عقلا بر جواز مجازات آن دلالت نمی‌کند و ارتکاز متشرعه در طول تاریخ به ویژه در صدر اسلام بر جواز مجازات دلالت ندارد. اجبار بر بی‌حجابی خلاف شرع بوده، اجبار بر رعایت حجاب نیز فاقد مستند معتبر شرعی و در اختیار زنان مؤمن است (کدیور، ۱۳۹۱).

## ۲-۲. نقد ادعای مسئله نبودگی حجاب در صدر اسلام با گزارش‌های حجاب‌محور

### ۲-۱. تأثیر پوشش زنان در رخداد‌های صدر اسلام

مسئله بودگی یک مفهوم یا پدیده را می‌توان در میزان تأثیر آن در رخداد‌های مهم در همان زمانه و حساسیت جامعه مورد نظر نسبت به انجام یا انکار آن و همچنین در حاشیه یا در متن جامعه قرار گرفتن آن با استفاده از منابع نزدیک به دوره مورد نظر رصد کرد.

### اول، پوشش زنان و وقوع نبرد بنی‌قینقاع

در منابع تاریخی آمده است در سال دوم هجری که هنوز حکم حجاب نازل نشده بود، زن مسلمانی از انصار برای خرید طلا نزد زرگری در بازار بنی‌قینقاع نشسته بود و چون صورت خود را به طور کامل پوشانده بود، یهودیان درصدد دیدن چهره او برآمدند. یکی از یهودیان با خاری دامن وی را به بالای لباسش گره زد و چون او برخاست بخش‌هایی از بدنش نمایان شد. یهودیان مسخره کرده و خندیدند و زن فریاد کشید. مرد مسلمانی که متوجه ماجرا شد آن یهودی را کشت و یهودیان هم جمع شده او را به قتل رساندند و درگیری شد. یهودیان در قلعه خود سنگر گرفته و اعلام جنگ کردند و در نهایت، پس از محاصره قلعه توسط مسلمانان، تسلیم شدند. این گزارش در اکثر منابع متقدم تاریخی اهل سنت ثبت

شده است. (ر.ک.، ابن‌هشام حمیری، بی‌تا، ۴۷/۲؛ ذهبی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۴۶/۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۷هـ.ق، ۴/۴)



در تحلیل گزارش فوق نکات زیر را می توان مطرح کرد:

- اگرچه مسئله توهین به زن مسلمان و پوشش او تنها دلیل وقوع نبرد بنی قینقاع نبود و پیش از آن به سبب عهدشکنی های این گروه، طبل جنگ بین مسلمانان و یهودیان نواخته شده بود و آیه: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتَابُونَ وَ نُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بئسَ المهادًا. قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الَّتِي تَلَقَّتْ» (آل عمران: ۱۲ و ۱۳) درباره همین گروه نازل شده است (ابن هشام حمیری، بی تا، ۴۸/۲)، اهمیت تعرض به پوشش این زن، جرقه ای برای شعله ور شدن آتش جنگ شد و اتفاق های پیرامون آن، حکایت از موضوعیت و حرمت پوشش زنان نزد مسلمانان دارد؛  
- نوع پوشش زن که با تعبیر «امرأه من العرب» از وی یاد شده است و اهتمام به حفظ آن در سال دوم هجری، نشانه فرهنگ مردم مدینه و اهتمام به پوشیدگی است و مسئله بودگی پوشش زنان در صدر اسلام را نشان می دهد؛

- غیرتی شدن مرد مسلمان از اینکه پوشیدگی یک زن مورد هتک حرمت قرار می گیرد نشان از فرهنگ عمومی غیرتمندی و حساسیت نسبت به پوشش زنان در عصر نزول است.

### دوم) نقض مفاد صلحنامه با ناپوشیدگی زنان در طواف

از جمله شواهد تاریخی بر اهمیت پوشیدگی، حجاب و موضوعیت آن در صدر اسلام، شأن نزول آیات اول سوره توبه است که شدیدترین لحن قرآنی را در آن می توان دید. در سال دهم هجری گروهی از بت پرستان برای زیارت خانه خدا آمدند. یک زن از بین آنها براساس آیین خود پس از صدقه دادن همه دارایی خود، لباس هایش را هم به نیت بت خویش صدقه داده و برهنه به طواف خانه خدا پرداخت. در این هنگام آیات سوره توبه خطاب به مشرکان و عهدشکنان نازل شد. (قمی، ۱۳۶۳/۱، ۲۸۱/۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶۲/۹). در منابع تفسیری اهل سنت بدون ذکر ماجرای مذکور و به صورت یک شعار کلی طایفه اسد و غطفان به این مطلب اشاره شده است (ر.ک... مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۲، ۴۸۲/۲، طبری، ۱۴۱۵ ه.ق، ۲۱۰/۸). اگرچه آن زن، مشرک بود و براساس سنت مذهبی نیاکان خود عمل کرده بود، برای برهنگی و بی توجهی او به قوانین جامعه اسلامی آیه نازل شد.

در تفسیر قمی این ماجرا در شأن نزول سوره توبه آورده شده، اما بیشتر مفسران شیعی و اهل سنت این ماجرا را ذیل آیه ۲۷-۳۰ اعراف و تعبیر: «فعلوا فاحشه» آورده اند. (ر.ک..



طبری، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۱۱۴/۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳۶۵/۳؛ طوسی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۳۸۲/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۳۳/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷۲/۸) در هر دو صورت، این شأن نزول اگرچه اعتراضی است بر شکستن مفاد صلح نامه و قانون شکنی آشکار مشرکان، شاهدهی هم بر برخورد شارع با کسانی است که به قانون پوشیدگی در اسلام عمل نمی‌کنند و موضوعیت پوشیدگی زنان - حتی زنان غیر مسلمان - در جامعه اسلامی را نشان می‌دهد.

### سوم) افکار عمومی و ناهنجاری عدم حجاب

در منابع اسلامی، اعم از منابع شیعی و اهل تسنن، گزارش‌های متعددی مبنی بر ناهنجاری عدم حجاب از نظر افکار عمومی در صدر اسلام وجود دارد. برخی از این گزارش‌ها عبارتند از: - گزارشی مبنی بر بدون روسری بودن دختران تازه بالغ (کعب) هنگام بیعت با امام علی علیه السلام نشانی برای موضوعیت حجاب و توجه افکار عمومی نسبت به آن در قرن اول است. در نهج البلاغه (خطبه ۲۲۹) در بحث بیعت مردم با امام علی علیه السلام و توصیف کیفیت هجوم آنان تعبیر «و حسرت الیها الکعب؛ و دختران تازه بالغ، بی نقاب به صحنه آمدند» دیده می‌شود. این تعبیر در کنار تعابیری چون پاره شدن کفش امام علی علیه السلام به دلیل هجوم مردم، افتادن عبا از دوش وی، پایمال شدن ناتوانان و سوار شدن بیماران بر دوش خویشان‌شان آمده که حکایت از وقوع امر غیرهنجار اجتماعی است. به عبارتی، حاسره بودن دختران نوجوان در عصر امام علی علیه السلام غیرهنجار و غیر مشروع است که برای نشان دادن افراط و هجوم شدید مردم به آن اشاره می‌کند و موضوعیت و مسئله بودگی پوشش را از این متن می‌توان دریافت. در شروح نهج البلاغه ترجمه‌های متفاوت برای جمله فوق دیده می‌شود، اما در مجموع موارد ناپوشیدگی سر ذکر شده است. علامه جعفری در ترجمه آن می‌نویسد: «شدت هجوم برای بیعت به گونه‌ای بود که... و حجاب از روی دختران افتاد» (جعفری، ۱۳۷۲، ۱۵۸/۹). برخی نیز نوشته‌اند: «... دختران جوان (شاید برای دیدن) سربرهنه به طرف آن دویدند...» (قرشی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۹۰۵/۲). در ترجمه شهیدی آمده است: «... و دختران جوان - برای دیدن آن منظره - سربرهنه دوان...» (شهیدی، ۱۴۲۰ هـ.ق). در این گزارش‌ها دو واژه حاسرات و ناشرات شعورهن از شواهد است؛ این عمل مورد ناخرسندی و اعتراض بوده و افکار عمومی نسبت به آن واکنش نشان می‌داده که امام علیه السلام در مورد اول و گزارشگر در مورد دوم به ذکر آن می‌پردازد و برای آن ارزش خبری قائل می‌شوند.



از گزارش خروج زنان بنی‌هاشم از خانه با سر برهنه پس از شنیدن خبر شهادت امام علی علیه السلام و موی پریشان کردن آنان می‌توان برداشت کرد که در حالت عادی و در غیر مصیبت زدگی، سرهای زنان پوشیده بوده است. در گزارش‌های مربوط به اسارت زنان همراه امام حسین علیه السلام پس از عاشورا نیز گزارش‌هایی از این دست زیاد دیده می‌شود که در این میان، عزاداری زنان و دختران عقیل مانند ام‌لقمان و خواهرانش است: «حین سمعت نعی الحسین حاسره و معها اخواتها» (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۲/۴۸۳). اینکه واژه حاسره در گزارش دیده می‌شود نشان از دیدن چیزی خارج از انتظار است و مسئله بودگی را نشان می‌دهد.

ابن ابی‌الدنیا (۲۸۱ م) به سند خود از اسحاق از پدرش نقل می‌کند که عایشه، دختر طلحه، که همسر مصعب بن زبیر (۷۲ م) و خواهرزاده عایشه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، بود از مردان حجاب نمی‌گرفت و مانند مردان نشست و برخاست می‌کرد. (ابن ابی‌الدنیا، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۱/۱۲۰؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۲۵۲/۶۹) ابوالفرج اصفهانی (۲۵۶ م) و قیروانی (۴۵۳ م) نقل کرده‌اند: «عایشه دختر طلحه بدون پوشاندن صورت در انظار عموم حاضر می‌شد. وقتی مصعب بن زبیر او را عتاب کرد «فعاتبها» و دلیل نپوشاندن چهره را از وی پرسید، گفت: «خداوند این نعمت زیبایی را به من عطا کرده است و می‌خواهم مردم آن را ببینند و برتری من بر خودشان را بفهمند. چرا این زیبایی‌های خدادادی را بپوشانم»» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۱/۱۲۰؛ قیروانی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۱/۲۴۲). باتوجه به این گزارش، پوشیدگی در آن زمان اهمیت داشته که عایشه به دلیل رعایت نکردن آن سرزنش شده است. اگر فرهنگ عمومی ناپوشیدگی بود، جایی برای سرزنش نداشت و این مطلب نیز ارزش خبری و در پیدا نمی‌کرد و منابع متقدم ثبت نمی‌شد. نویری نیز این ماجرا را با لفظ: «فعاتبها مصعب فی ذلک» (نویری، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۴/۲۷۲) آورده و سرزنش آن زن توسط مصعب را مطرح کرده است. تاریخ گزارش فوق مشخص نیست و نمی‌توان گفت هنگام عتاب، آیا مصعب هنوز همسر وی بوده است یا نه، اما از آنجا که مصعب در سال ۷۲ کشته شد، این ماجرا هنگام زنده بودن وی و در قرن اول هجری-قمری اتفاق افتاده است.

سرزنش نسبت به یک رفتار در جامعه، نشانه غیر هنجار و مخالف عرف بودن آن رفتار و گسترده‌گی و رواج رفتار مقابل آن است؛ یعنی هنجار آن زمان، پوشیدگی و عدم پوشش ناهنجاری بوده است. نکته قابل توجه اینکه چنین کشف حجاب‌هایی به صورت مستمر

نبوده و بسیار اندک است و در برابر همین موارد غیر منتظره اندک نیز از سوی نزدیکانشان برخورد شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که ذکر سربره‌نگی و نقص در پوشیدگی در حالت مصیبت‌زدگی و هیجان‌ناشی از سوگ و موقعیت بحران، نشان‌دهنده پوشیدگی و مسئله‌بودگی آن در موقعیت‌های عادی است.

## ۲-۲-۲. گزارش‌های مبنی بر تغییر پوشش زنان پس از نزول آیات حجاب

ادعای مسئله‌نبودگی حجاب شرعی در صدر اسلام با واقعیات عصر نزول سازگار نیست. گزارش‌هایی که تغییر رفتار پوششی زنان پس از نزول آیات حجاب و مسئله‌بودگی حجاب و توجه زنان به پوشش را برمی‌تابد نشان‌دهنده این است که فهم مردم عصر نزول از آیات حجاب، همان پوشیدگی شرعی بوده و حتی حد پوشش سر و مو در این گزارش‌ها مشخص شده است. تغییر رویه زنان پس از نزول آیات حجاب نشان می‌دهد که اگر حجاب، توصیه‌ای اخلاقی و یا امری غیرضروری بود التزام به آن تا این حد محسوس نبود که در گزارش‌های مختلف مطرح شود. برخی معتقدند نباید پنداشت که ضوابط جدید پوششی با وضعیت زندگی مردمان صدر اسلام منافات داشته یا ایشان را به عسرو حرج وامی‌داشته است؛ زیرا گزارش‌های عصر جاهلی اثبات می‌کند که جامعه آن روز با صنعت نساجی و خیاطی آشنا بودند. (الویری و موسوی‌نیا، ۱۳۹۸) بنابراین، می‌توان از تغییر و تحول در نحوه پوشش پس از ظهور اسلام سخن گفت نه ایجاد یک حکم جدید.

## اول، گزارش عایشه از تغییر حجاب زنان انصار بعد از نزول آیات حجاب

بنابر نقلی از عایشه، پس از نزول آیات حجاب (آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور)، تغییر محسوسی در پوشش زنان مدینه اعم از انصار و مهاجر ایجاد شد. وی می‌گوید: «وقتی آیه *«وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ»* نازل شد، مردان انصار به سوی زنان نشان‌شتافته و آیات تلاوت کردند و از آن پس، زنان انصار بر سر خود پارچه‌ای از جنس پشم یا خز می‌انداختند» (بخاری، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۱۳/۶؛ بغوی، بی‌تا، ۳۳۹/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶/۳۴۵). آلوسی این تغییر پوشش زنان را مربوط به پس از نزول آیه ۵۹ سوره احزاب می‌داند و می‌گوید: «زنان انصار [پس از شنیدن آیه ۵۹ احزاب] تکه پارچه‌هایی آوردند و سرها را پوشانده و پشت سر رسول خدا ﷺ نماز خواندند. آنان طوری سر را پوشانده بودند که گویی کلاغ‌های سیاه روی سرشان نشستند» (آلوسی، بی‌تا، ۸۹/۲۲).



المروط به معنای کیسه‌های (پارچه‌های) پشمی و یا مویین و شاید هم خز است. (زمخشری، بی‌تا، ۳/۳۶۰) برخی برای غربان، معنای غربال را آورده و می‌گویند که مرط، پارچه وسیعی از جنس پشم یا خز بود که زنان انصار پس از نزول آیه بر سر خود انداختند و برای «غَضْ بصر» نیز پارچه‌ای شبیه غربال دارای سوراخ‌های متعدد روی صورت خود می‌انداختند (ابن سعد، بی‌تا، ۸/۱۷۵ و ۱۷۸؛ احمد بن حنبل، بی‌تا، ۶/۲۹۶). تعابیر تمجیدی که به صورت‌های مختلف مانند «یرحم الله نساء المهاجرات الأول» (طبری، ۱۴۱۳، ۱۸/۱۶۰؛ ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۲۸۵) «لِإِنْسَاء قَرِيشَ لَفْضاً» و «إِنِّي وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ أَفْضَلَ مِنْ نِسَاءِ الْأَنْصَارِ أَشَدَّ تَصَدِيقاً لِكِتَابِ اللَّهِ وَ إِيْمَاناً بِالْتَنْزِيلِ» در گزارش‌ها دیده می‌شود نمایانگر اهمیت پوشش زنان و موضوعیت آن در عصر نزول است. نوع تغییر در پوشش و شیوه عمل به آیه و خمار بستن زنان اگرچه در روایات ذکر شده است، برای داده‌های تاریخی مطرح می‌شود.

به نظر می‌رسد رفتار زنان که در تعابیری همچون «شققن مروطن فاختمرن بها» (بخاری، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۴/۱۷۸۲؛ بیهقی، بی‌تا، ۷/۸۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۲۸۵)، «أخذن أزهن فشققنهن من قبل الحواشي فاختمرن بها» (اسحاق بن راهویه، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۶۸۴؛ بخاری، ۱۴۰۱ هـ.ق، ۴/۱۷۸۳) و «فأصبحن وراء رسول الله ﷺ معتجرات كأن علي رؤوسهن الغربان» (ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۲۸۵ و ۲۸۶) منعکس شده است نمایانگر برداشت و جوب - نه توصیه اخلاقی - مخاطبان عصر پیامبر ﷺ از آیات حجاب است. ایجاد تغییر در فرهنگ پوشش زنان در عصر نزول، پس استماع آیات سوره نور و تمجید همسر پیامبر ﷺ از آن زنان مهمترین دلیل تاریخی بر دلالت آیات ۳۱ و ۳۲ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب بر حجاب و مسئله بودگی پوشش در آن زمانه است و حداقل اینکه استنباط مخاطب اولیه از این آیات، بهتر شدن نوع پوشش بوده است در غیراین صورت چه لزومی به تغییر بود. گزارش‌های دیگر با همین مضمون از ام سلمه و دیگران در مورد تغییر پوشش زنان انصار پس از نزول آیه جلیباب (ر.ک.، احزاب: ۵۹) بیان شده است. (صنعانی، بی‌تا، ۳/۱۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۲۸۵) ابن کثیر و ابن حجر عسقلانی این روایات را گردآوری و در آثار خود بیان کرده‌اند (ر.ک.، ابن کثیر، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۳/۲۸۵؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ۸/۴۹۰). مجموعه گزارش‌های یاد شده اثبات‌کننده موضوعیت حجاب شرعی در عصر نبوی است.

## دوم) تذکر برای تغییر پوشش پس از نزول آیات حجاب

ابن سعد به سند خود از مالک از علقمه بن ابی علقمه از مادرش نقل کرده است: «حفصه، دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که برادرزاده عایشه بود درحالی که روسری نازکی بر سر داشت و گردن وی نمایان بود، پیش وی رفت. عایشه آن مقنعه را بر تن حفصه پاره کرد و مقنعه ای ضخیم بر او پوشاند.» (ابن سعد، بی تا، ۵۸/۸) تعبیر «خمار رقیق یشف عن جیها» بدپوششی وی را نشان می دهد و تعبیر: «أما تعلمین ما أنزل الله فی سورة النور» نشان دهنده تغییر و تحول در پوشش زنان پس از نزول آیه حجاب است. همچنین برخورد تند عایشه و پاره کردن مقنعه بر سر او قبل از درآوردن آن نمایانگر مسئله بودگی پوشش در آن دوره است.

## سوم) اهمیت پوشش در گزارش های مربوط به حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام

کاربرد واژه هایی بامعنای پوشش و پوشیدگی در تاریخ صدر اسلام به ویژه در جریان دادخواهی حضرت زهرا علیها السلام در سال دهم هجری و ماجرای اسارت زنان پس از واقعه عاشورا از دیگر نشانه های مسئله بودگی حجاب و پوشش زنان در قرن اول است. تعبیر «لائت خمارها علی رأسها؛ خمار را بر سرش پیچید» در مورد پوشش حضرت زهرا علیها السلام که در منابع متقدم ثبت شده نیز شاهدی بر مسئله بودن پوشش است. ابن ابی طیفور (م ۲۸۰) در بلاغات النساء (بی تا، ۶/۱)، ابوبکر جوهری (م ۳۲۳) در السقیفه و فدک (۱۴۰۷ ه.ق)، ابی (م ۴۲۱) در نثر الدر فی المحاضرات (۱۴۲۴ ه.ق، ۵/۴)، ابن حمدون (م ۶۰۸) در التذکره الحمدونیه (۱۹۹۶/۶، ۲۵۵) از علمای اهل سنت، طبری در دلائل الامامه (۱۴۱۳ ه.ق)، طبرسی (م ۵۴۸) در احتجاج (طبرسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۹۸/۱) و دیگر منابع شیعی این ماجرا را بیان کرده اند.

سخنان حضرت زینب علیها السلام در شام که فرمود «... قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوهن...» و «...یتصفح وجوهن القریب و البعید...» (ابن ابی طیفور، بی تا) که در منابع متقدم مانند بلاغات النساء ابن ابی طیفور ثبت شده است و همچنین جمله «فسألته النسوة أن یسترجن ما أخذ منهن لیسترن؛ و زنان [از عمر بن سعد] درخواست کردند آنچه از پوشش آنها گرفته شده، برگرداند تا خود را با آن بپوشانند» (طبرسی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۴۶۹/۱) موضوعیت پوشش را نشان می دهند؛ زیرا اگر اهمیت نداشت و به عنوان یک نیاز طبیعی مطرح بود، هرگز در گزارش ها چنین منعکس نمی شد. افزون بر گزارش های یادشده، وجود تعبیرها، استعاره ها و تلویحات ناظر به مفهوم



پوشش در منابع متقدم، مهمترین دلیل بر وجود حکم حجاب و التزام به آن در عصر نزول است. تعبیر *جرالدیول* از جمله استعارات ناظر بر پوشش است. ام سلمه به عایشه می‌گوید: «هنر زن چیزی بیش از چشم‌پوشی و حیا و دامن به زمین کشیدن نیست» (یعقوبی، بی تا، ۱۸۰/۲). دامن بر زمین کشیدن هنگامی که در کنار حیا و چشم‌پوشی از نگاه به نامحرم ذکر شود، معنای پوشش دارد نه تکبر. جوهری و دیگر لغویون از دو واژه *رَفَلٌ* و *ذال* برای کشیده شدن دامن لباس بر روی زمین استفاده می‌کنند (جوهری، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۷۰۲/۴؛ جوهری، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۷۱۱/۴). لباس‌هایی مانند نطاق، دامنی بود که روی زمین کشیده می‌شد (جوهری، ۱۴۰۷هـ.ق، ۱۵۵۹/۴). همچنین روپوش‌هایی به نام نصیف، اتیب و جلاباب در عصر نبوی استفاده می‌شد (جوهری، ۱۴۰۷هـ.ق، ۸۶/۱).

### چهارم) پرسش از میزان پوشش زن مطلقه نزد همسر سابق

پرسش‌های عموم مردم از صاحب نظران و به‌ویژه نمایندگان شریعت نشانه دغدغه و مسئله بودن موضوع پرسش است. برای مثال، در حدیثی نقل شده است که از عایشه در مورد زنی که همسرش او را طلاق داده و آن زن با مرد دیگری ازدواج کرده بود، اما در برابر همسر سابقش سر را برهنه کرد، سؤال شد: «وَسُئِلَتْ عَنْ امْرَأَةٍ طَلَّقَهَا زَوْجُهَا وَتَزَوَّجَهَا رَجُلٌ فَتَحَسَّرَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ» (ابن اثیر، ۱۳۶۴/۱، ۲۸۳/۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۵هـ.ق، ۱۸۸/۴). عایشه در گزارش خود از واژه تحسرت استفاده می‌کند. ابن سیده می‌گوید: «زن حاسر زنی است که پوشش خود را کنار نهاده و سر و ساق‌های دستش پیدا باشد» (زبیدی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۲۷۵/۶ و ۲۷۶). حاسره هر معنایی داشته باشد، اینکه میزان پوشیدگی زنی در برابر همسر سابقش مورد سؤال واقع شود، مسئله بودن حجاب در آن دوره را نشان می‌دهد.

### ۲-۳. شیوه‌های برخورد پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام با بدحجابی و بی‌حجابی

اینکه گفته می‌شود گزارش تاریخی و حدیثی از مخالفت پیامبر ﷺ و پیشوایان دینی صدر اسلام در مورد برخورد و مقابله با بی‌حجابی نقل نشده و کسی برای عدم رعایت حجاب، مؤاخذه و مجازات نشده است (ر.ک. ایازی، ۱۳۸۶؛ مفتح، ۱۳۸۶/۱، ۲۹۵-۳۲۵) مخدوش به نظر می‌رسد. مهمترین نقد بر ادعای یاد شده، گزارش‌های تاریخی از برخورد اهل بیت علیهم السلام با بی‌حجابی است که ناقض این ادعاست. پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته ضروری است که چون پیشوای معصوم با افراد معمولی تفاوت دارد و براساس اصول فقه قول، فعل و تقریر وی

حجت است، نمی توان تنها اوامر حکومتی و بخشنامه‌ای وی را به عنوان برخورد و مقابله با مسئله‌ای تلقی کرد و مجموعه اوامر، نواهی، سکوت و اعتراض و حتی سرزنش و تحسین وی می تواند مورد استناد باشد.

### ۲-۳-۱. برخوردهای ایجابی با بدحجابی در سیره پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ

برخوردهای ایجابی به شکل اوامر (دستوری)، توصیه‌ای و در قالب دعا قابل ترسیم است:

#### اول، امر به پوشش

#### الف) دستور پیامبر ﷺ به پوشش زنان پس از نبرد اُحد (امر به تستر)

کلینی به سند متصل از امام صادق ع نقل کرده است که در جریان نبرد اُحد پس از اینکه شایعه کشته شدن پیامبر ص بر مردم آشکار شد، آن حضرت ص نزد آنها آمد، زنان انصار چهره‌های خود را خراشیده و موها را پریشان کرده و گریبان چاک زدند. آنها برای آنکه بدنشان دیده نشود دامن‌های خود را به کمر بسته بودند و مراتب علاقه و تأثر شدید خود را به پیامبر ص اظهار می کردند. رسول خدا که آنها را دید پس از دلداری دادن، دستور داد خود را بیوشانند: «أَمْرُهُنَّ أَنْ يَسْتَتِرْنَ وَ يَدْخُلْنَ مَنْزِلَهُنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۲۲/۸) و به خانه‌هایشان بروند. مجلسی سند روایت را حَسَن و صحیح می داند (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۴۳۱/۲۶). واژه امرهنّ، بر امر پیامبر ص دلالت دارد که حجت است و کل روایت نشانگر نوع برخورد آن حضرت ص نسبت به حجاب و پوشیدگی زنان است. در این گزارش از سویی ابتدا در توصیف رفتار زنان انصار، موی پریشان کردن، گریبان چاک زدن و بستن دامن‌ها به کمر که مربوط به پوشش زنان است، آمده و از سوی دیگر در دستور پیامبر ص دو مورد تستر و رفتن به منزل وجود دارد. به نظر می رسد افزون بر امر به رفتن زنان به خانه‌ها امر به پوشاندن مواضعی که در اثر اندوه و ندامت آشکار شده در سخن پیامبر ص آمده است.

#### ب) امر پیامبر ص به تستر زنان جاهلی پس از ظهور اسلام

مقریزی در مورد امر به پوشیدگی زنان توسط پیامبر ص می نویسد که ابوالحسن مدائنی در کتاب النساء اللاتی لم یکن مستترات از مجاهد از ابن اسحاق نقل می کند: «زنان جاهلی خود را نمی پوشاندند و هند، بنت عتبه، این مطلب را به پیامبر ص گفت. آن حضرت با تعبیر: "لا بد من



التستر“ به پوشاندن بدن زنان امر کرد». (مقریزی، ۱۴۲۰هـ.ق، ۱۱۷/۶) به نظر می‌رسد که در زمان مقریزی کتابی با این نام از مدائنی وجود داشته است، اما با وجود تلاش نگارنده پژوهش حاضر در منابع چاپی و نرم‌افزارهای شیعی و اهل سنت چنین اثری از مدائنی یافت نشد. ثبت این اعتراض، دلیل تاریخی دیگر بر اهمیت حجاب در صدر اسلام و ناقض ادعای عدم برخورد پیامبر ﷺ با بی‌حجابی است. گزارش مذکور، عدم مقاومت روانی زنان در برابر این حکم و گرایش آنان به پوشیدگی را نشان می‌دهد.

### دوم) برخوردهای ناصحانه و دعا برای زنان باحجاب

برخی از مواجهات و برخوردهای پیامبر ﷺ در قالب توصیه، خیرخواهی و دعا صورت گرفته است. در منابع اهل سنت، روایت صحیحی از پیامبر ﷺ نقل شده که پس از نقل صفات حورالعین فرمود: «ارزش پوششی که آن زن بهشتی بر سر دارد از دنیا و آنچه در آن است، ارزنده‌تر است» (بخاری، ۱۴۰۱هـ.ق، ۲۰۳/۳). نصیف، لباسی است که زنان با آن، کل لباس‌هایشان را می‌پوشاندند و به آن نصیف می‌گفتند؛ زیرا بین آنان و مردم مانع می‌شد و چشم‌ها از نگاه به زنان با پوشش نصیف منع می‌شد (ازهری، ۲۰۰۱، ۱۲/۱۴۳). در منابع لغوی به نصیف، معجر هم می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۰۵هـ.ق، ۳۳۲/۹). در قرآن بارها با تعابیری مانند «أَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقع: ۲۳)، «كَأَمْثَلِ بَيْضِ مَكْنُونٍ» (صافات: ۴۹)، «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْحِيَامِ» (الرحمن: ۷۲)، «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ» (صافات: ۴۸؛ ص: ۵۲؛ الرحمن: ۵۶) تصریح به پوشیدگی حورالعین شده و حتی این پوشیدگی از ویژگی‌های ممتاز آنان شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد مجموعه آیاتی با این مضامین قبل از نزول سوره نور و تشریح حجاب عمومی به‌طور شناور، مسئله بودگی حجاب در صدر اسلام را نشان می‌دهد.

عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱) از محمد بن مسلم از صباح از مجاهد نقل کرده است: «به من خبر رسید زنی از مرکبش افتاد و لباسش کنار رفت، درحالی‌که پیامبر ﷺ نزدیک وی بود. پس آن حضرت ﷺ از وی روی گرداند و به او گفته شد که آن زن سروال بر تن دارد و آن حضرت فرمود: “یرحم الله المتسولات؛ خدای زنان پوشاننده شلوار را رحمت کند”». (عبدالرزاق صنعانی، بی‌تا، ۱۳۱/۳) سند روایت براساس دانش رجالی، مرفوع است؛ یعنی توسط صحابه به پیامبر ﷺ می‌رسد. وجود راوی ضعیف‌الحدیثی چون صباح موجب ضعف این روایت می‌شود اگرچه دوراوی دیگر یعنی،



محمد بن مسلم که با الفاظ صدوق و حسن الحدیث توصیف شده است و مجاهد که از ثقات است از نقاط قوت سند هستند. این روایت با سند و الفاظ دیگری توسط ابن عدی (۳۶۵م) در *الکامل* ذکر شده است. وی گزارش را به شکل دیگری از امام علی علیه السلام آورده است: «در یک روز بارانی زنی سوار بر مرکب در برابر دیدگان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر زمین افتاد و آن حضرت روی برگرداند تا او را نبیند و هنگامی که گفته شد او شلوار پوشیده است سه بار فرمود: «پروردگارا! پوشانندگان شلوار از امت مرا مورد رحمت قرار ده».

پیامبر صلی الله علیه و آله شلوار را پوشاننده ترین لباس دانست و حتی با جمله «شلوار دربرکنید؛ زیرا پوشاننده ترین لباس شماست. به ویژه هنگامی که زنان [از خانه] خارج می شوند آن را بپوشند»، (جرجانی، ۱۴۰۹هـ.ق، ۱۲۵۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ.ق، ۲۰۶/۴؛ ورام بن ابی فراس المالکی الاشتیری، ۱۳۶۸، ۳۹۷/۷) امر به پوشاندن سروال کرد. عقیلی (۳۲۲م) حدیث ابن عدی را در کتاب *الضعفا* آورده و آن را محفوظ نمی داند چون منفرد بوده و فقط از ابراهیم بن زکریا که وضاع و ضعیف است نقل شده است (عقیلی، ۱۴۱۸هـ.ق، ۵۴/۱). ابن جوزی (۵۹۷م) هم روایتی با این مضمون را که از سعد بن طریف نقل شده از موضوعات می داند (ابن جوزی، ۱۴۱۵هـ.ق، ۴۷/۳).

در منابع شیعی شیخ صدوق (۳۸۱م) این روایت را در باب نوادر بدون ذکر سند و مقدمات مربوط به نقل از حضرت علی علیه السلام و تنها با تعبیر «رحم الله المسرولات» (صدوق، ۱۴۱۳هـ.ق، ۴۶۷/۳) آورده است. پس از وی، ورام بن ابی فراس (۶۰۵م) نیز بدون ذکر سند می آورد (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۸، ۳۹۷/۲). ارزیابی سندی روایت در این دو منبع شیعی ممکن نیست؛ زیرا راویان مشخص نیستند، اما روایت از نظر متن، منافاتی با قرآن و سنت نبوی که پوشیدگی را مطلوب می دانند، ندارد و با پوشش زمانه پیامبر صلی الله علیه و آله حتی در گروه اندکی از مردم سازگاری دارد.

از آنجا که شلوار از پوشاک ایرانی در دوره پارت ها و ساسانیان بوده و بعد به سرزمین و فرهنگ عرب وارد شده توجه به این نکته ضروری است که در زمان ساسانیان افزون بر سه متر پارچه مستطیلی که برای شلوار در نظر می گرفتند و با کمربند جمع می شد، یک پارچه بسیار ضخیم چرمی برای زیرپایی به شلوار اضافه می کردند که از کف پاها عبور می کرد. (بوریمن، ۱۳۸۶) بنابراین، می توان تصور کرد اگر کسی با این پوشش از مرکب می افتاد بدن او پوشیده می ماند و روایت یاد شده دور از واقعیات زمانه نبوده است. سیوطی (۹۱۱م)



مجموعه احادیث با این مضمون را در کتاب *اللئالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه* گرد آورده است از جمله روایت نقل شده از خطیب در کتاب *المتفق و المتفرق* که به سبب وجود سعد بن طریف اسکاف که وضاع بوده روایت را ضعیف می داند، روایت نقل شده از ضعفاء عقیلی با دو واسطه به همان سند صنعانی، روایت نقل شده از محاملی در *امالی محاملی* که از فضل بن ابیطالب از عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی بن ابیطالب نقل کرده است، روایت نل شده از بیهقی در *شعب الایمان* به سند خود از ابوهریره و روایت نقل شده از دارقطنی در *الافراد* به سند خود از ابوهریره. وی در پایان، حدیث را حسن می داند: «یرتیق الحدیث الی درجه الحسن» (سیوطی، ۱۴۰۳ ه.ق). اشکالی که به سند ابن عدی گرفته شده را نمی پذیرد و می گوید: «ابراهیم بن زکریا که ابن عدی وی را واسطی عبدی می داند و از ضعف است. غیر از ابراهیم بن زکریا عجلی بصری در این حدیث است که نامش در شمار ثقات ذکر شده است». وی در پایان می نویسد: «پس در این صورت، حدیث از شمار احادیث ساختگی خارج می شود» (سیوطی، ۱۴۰۳ ه.ق). در مجموع، روی گرداندن پیامبر صلی الله علیه و آله از سویی و دعا کردن برای زنانی که پوشش مناسب دارند، نشان از اهمیت پوشیدگی در عصر نبوی دارد و حتی اگر حدیث، سند مناسبی نداشته باشد جزئیات آن که مدلول اصلی نیست شاهدهی بر این مطلب است که پیامبر صلی الله علیه و آله به پوشیدگی زنان توجه داشته و برای آنها دعا می کرد.

### ۲-۳-۲. برخورد های سلبی با بدحجابی در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام

برخوردهای سلبی بیشتر به شکل روی گرداندن از فرد بی حجاب یا بدحجاب توسط پیشوایان است. گزارش های زیر نمونه ای از برخوردها را نشان می دهد.

#### اول، روی گرداندن پیامبر صلی الله علیه و آله از برادرزاده عایشه به سبب پوشش نازک

از اسماء بنت عمیس نقل شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر عایشه وارد شد و خواهر او نیز درحالی که لباس شامی آستین گشادی بر تن داشت آنجا بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید، برخاست و بیرون رفت و وقتی عایشه دلیل را پرسید، فرمود: «آیا قیافه او را نمی بینی. از بدن او جز این نباید آشکار شود». سپس با آستین های خود کف دستانش را پوشاند به گونه ای که جز انگشتان پیدا نبود و کف دستانش را بر صدغین نهاد به طوری که جز چهره پیدا نبود. (طبرانی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۱۹۰/۸؛ بیهقی، بی تا، ۸۶/۷)



صُدغ در معانی شقیقه، گيجگاه، قسمت بالای دو طرف سر، میان گوش و گوشه خارجی چشم، همچنین در معنای موهای آویخته بر شقیقه به کار رفته است. برخی آن را به موهای محاذی یا بناگوش تا کمی پایین تر از آن معنا کرده اند. (جوهری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴/۱۳۲۳) این روایت به سه صورت در منابع اهل سنت ذکر شده است که در سند و متن اختلافاتی دارند، اما در مضمون مشابه هستند. در روش دوم، پوشش اسما با تعبیر: «علیها ثياب رقاق» و رفتار پیامبر ﷺ با واژه «فأعرض عنها» آمده است. براساس گزارشی از بیهقی (م ۴۵۸) پیامبر ﷺ پس از روی گرداندن از اسماء وی را خطاب قرار داد و گفت: «ای اسما! هنگامی که دختر به مرحله حیض رسید، شایسته نیست که جز این و این - و اشاره به صورت و دو کف دست خود کرد - از بدن او دیده شود» (بیهقی، بی تا، ۹۱/۲).

در مورد سوم که در *مراسیل ابوداود* (م ۲۷۵) از هشام دستوایی از قتاده نقل شده است که پیامبر ﷺ به اسماء می فرماید: «ان الحاریه اذا حاضت لم یصلح ان یری منها الا وجهها و یدها الی المفصل». (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱/۳۱۰) شبیه این ماجرا در روایت دیگری از عایشه در مورد دختر عبدالله بن طفیل، برادر مادری وی نیز نقل شده است که پیامبر ﷺ از این دختر روی برگرداند و فرمود: «هنگامی که زن به دوران حیض می رسد بر او جایز نیست که جز روی خود، جای دیگری را نمایان سازد» (طبری، ۱۴۲۴ هـ.ق، ۹۰/۳۰۵)؛ یعنی پوشش دست ها براساس این روایت لازم بوده است. از آنجا که این ماجرا بعد از ازدواج عایشه اتفاق افتاده است باید مربوط به بعد از سال دوم باشد و حال آنکه اسماء، دختر ابوبکر هنگام هجرت به عبدالله باردار بوده و فرزندش عبدالله بن زبیر که سال اول یا دوم هجری به دنیا آمد با تعبیر: «اول مولود للمهاجرین بالمدينه» ستوده شده است (ذهبی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۳/۳۶۴). براین اساس به طور قطع، بزرگ تر از عایشه بوده و تازه بالغ نبوده است. از این رو، نمی توان گزارش مربوط به اسماء را پذیرفت، اما ماجرای مشابه مربوط به برادرزاده وی بیشتر قابل قبول است.

احمد قابل در نقد استدلال قائلین به حجاب که مستند به روایت نازکی لباس اسماء است، می گوید: «اینکه به خاطر شرافت سببی اسماء با پیامبر ﷺ یا صحابی نزدیک به پیامبر ﷺ (ابوبکر) یا شرافت نسبی (همسر زبیر) رفتار او را مورد نقد قرار داده و مصلحت نمی بیند که لباس نازک بر تن کند، آیا می توان آن را به همه زنان مسلمان تعمیم داد و یا حکم به الزام را از آن استخراج کرد».



(قابل، ۱۳۹۲) وی روایت را مختص مورد خاص دانسته و معتقد است با استناد به این روایت، حکم حجاب را نمی‌توان استنباط کرد. همچنین به نظر وی از فعل «لم یصلح» افاده وجوب نمی‌شود و در نهایت به معنای «مصلحت نیست» و امر ارشادی است نه مولوی (قابل، ۱۳۹۲). باید در نظر داشت که تعبیر «ان المرأة اذا» در سخن پیامبر ﷺ عام بودن مطلب را می‌رساند و اختصاص به خواهرزن پیامبر ﷺ یا دختر ابوبکر و غیره بودن وی نداشته و ارتباطی با ملاحظات سببی و نسبی ندارد، چنانکه مخاطب برخی از احکام واجب الهی، امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، ابن عباس و... بودند و نمی‌توان ادعا کرد خویشاوندی آنان سبب صدور این احکام شده است و نباید از آنها استنباط حکم عام در فقه کرد. در مورد امر ارشادی نیز اشکال، قابل خدشه است؛ زیرا اگر چنین باشد با توجه به تعبیر «لم یصلح لها ان یری منها الا هذا و هذا» در روایت، لازم می‌آید مشخص بودن بدن زنان از لباس نازک و دیدن آن توسط مردان جایز باشد و حال آنکه این خلاف آیات قرآن، روایات مأثوره و دیگر احکام پوشش است.

بوصیری (۲۳۵م) در کتاب خود یک باب به پوشاندن لباس ضخیم زیر لباس نازکی که زنان به تن می‌کنند، اختصاص داده و گزارشی را می‌آورد مبنی بر اینکه پیامبر ﷺ لباسی را به اسامه هدیه داد و وی به همسرش داد و وقتی آن حضرت این مطلب را شنید، فرمود: «همسرت باید در زیر این لباس، لباس ضخیمی بپوشد تا [حجم] بدن او آشکار نشود» (بوصیری، ۱۴۲۰هـ.ق. ۱/۲۸۰). در گزارش آمده است: پیامبر ﷺ وقتی دختر نوجوانی (جاریه) نزد عایشه دید تکه پارچه‌ای به عایشه داد و فرمود: «آن را دو قسمت کرده و با نیم آن دخترک را بپوشاند و نیم دیگر را برای دختری که در خانه ام سلمه است، بفرستد» (ابوداود سجستانی، ۱۴۱۰هـ.ق. ۱/۱۷۷).

گزارش دیگری با اندک تفاوت در سنن ابن ماجه (۲۷۳م) در بابی با عنوان باب اذا حاضت الجاریه لم تصل الا بخمار، ذکر شده است که دارای همین مضمون است. عایشه نقل می‌کند: «روزی پیامبر ﷺ نزد وی آمد و او کنیز آزاد شده‌اش را از آن حضرت پنهان کرد. پیامبر ﷺ فرمود: آیا حیض شده است؟ گفت: بله. پیامبر ﷺ عمامه خود را پاره کرد و فرمود: پس او را با این بپوشان» (ابن ماجه، بی تا، ۱/۲۱۹).

نکته مهم اینکه هم واژه اختباء و هم عبارت «اختمیری بهذا» در گزارش نشانه مسئله

بودگی پوشش در برابر نامحرم در عصر نبوی است. اختباء در لغت به معنای پنهان کردن و استتار آمده است (جوهری، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱/۴۶)؛ یعنی عایشه ابتدا دخترک را مخفی کرد تا پیامبر ﷺ او را نبیند، اما اختمار مانند «اختمرت المرأة بالخمارة؛ زن با خمارة خود را پوشاند» به معنای پوشاندن با چیزی است که با حرف باء می آید (فراهیدی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۴/۲۶۳). پرسش پیامبر ﷺ از اینکه آیا او حیض می شود؟ نشانگر لزوم پوشش و حجاب زن بالغ در عصر نبوی است. اگر این لزوم نبود، عایشه با ورود پیامبر ﷺ دخترک را پنهان نمی کرد و پیامبر ﷺ نیز در مورد حیض شدن وی پرسش نمی کرد. نکته مهمتر این است که تکه ای جدا شده از عمامه پیامبر ﷺ بی تردید نمی توانست تمام بدن کنیز را بپوشاند و می توان گفت با آن تنها سر کنیز پوشیده می شد. در این صورت معنای مشهور خمارة که سرپوش یا روسری است، تقویت می شود. به ویژه که جنس پارچه عمامه در آن زمان برخلاف امروز، ضخیم بوده و مقدار کمی از آن برای پوشیدگی سر مردان استفاده می شد و برای اینکه بعد از جدا کردن تکه ای که بخشیده شد، همچنان حالت عمامه را داشته باشد قسمت کوچکی از آن جدا شده است. فارغ از بحث سندی و دلالتی و اعتبار این گزارش ها، برخاستن و خروج پیامبر ﷺ از مکان براساس گزارش اول و روی گرداندن پیامبر ﷺ به گواه گزارش دوم نیز جمله آن حضرت در مورد حد پوشش و عملکرد وی مانند پاره کردن عمامه و اعطای آن به دختران نوجوان، نشانه اهمیت پوشش زنان از نظر پیامبر ﷺ است و نوع برخورد آن حضرت با پوشش نامناسب را نشان می دهد و اگر جز دو گزارش اول و دوم هم نباشد، ادعای پیش گفته نقض می شود.

### دوم) نهی و اعتراض امام علی علیه السلام از هتک پوشش زنان در نبرد جمل

ضبی الاسدی (م ۲۰۰) در کتاب *الفتنه و وقعه الجمل* که از منابع بسیار متقدم در مورد نبرد جمل است، می نویسد: «وقتی مردی از قبیله آزد شروع به شماتت عایشه در جمل کرد و گفت: "به خدای سوگند که این زن را رها نمی کنیم". حضرت علی علیه السلام خشمگین شد و فرمود: "ساکت باش و هیچ زنی هتک ستر نشود و وارد خانه ای نشوید و زنان را آشفته نکنید"» (الضبی الاسدی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۱۸۰؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴/۵۴۰). شیخ مفید در فصلی با عنوان کلامه لما نقض معاویه بن ابی سفیان شروط الصلح و شنه الغارات علی العراق، به اعتراض امام علی علیه السلام به دلیل نقض شروط صلحنامه



توسط معاویه اشاره کرده و می نویسد: «عده‌ای از اهل شام بر زن مسلمان و جمعی بر زن اهل ذمه وارد شده و او را هتک ستر کرده، مقنعه از سرش گرفته و گوشواره از گوشش ربوده و دستبند و خلخال از دست و پا و بازوانش درآوردند و...» (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱/۲۸۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱/۱۷۶؛ الحائری، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ نهج البلاغه، خطبه ۷۵).

امام علی علیه السلام در سرزنش مردم عراق برای عدم مراعات حریم جنسیتی فرمود: «ای عراقیان! به من خبر رسید که زنان شما در راه با مردان مواجه می‌شوند، آیا شرم نمی‌کنید». (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۵۳۷) در روایت دیگری امام علیه السلام فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید و به غیرت نمی‌آید که زنانتان راهی بازارها و مغازه‌ها می‌شوند و با کافران عجمی برخورد می‌کنند» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۵/۵۳۷). از زمان ایراد خطبه و سیاق و لحن سخن امام علیه السلام چنین برداشت می‌شود که از جایگاه حاکمیت به توبیخ و سرزنش مردم می‌پردازد. این‌گونه گزارش‌ها از سیره اهل بیت علیهم السلام نشان دهنده برخورد آنها در مواجهه با بدحجابی زنان و عدم مراعات حریم جنسیتی است. مجموعه موارد یاد شده شواهدی است بر مسئله بودگی پوشش در صدر اسلام و اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام از موضع حکومت درباره پوشش زنان و قواعد حضور زنان یا مردان در اجتماع دخالت می‌کردند هرچند گزارشی مبنی بر تعیین مجازات یافت نشد و نبود چنین گزارش‌هایی ضرری بر مسئله بودن حجاب نمی‌زند.

### ۳. بحث و نتیجه‌گیری

ادعای مسئله نبودگی حجاب شرعی در صدر اسلام به دلیل عدم گزارشی مبنی بر برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر پیشوایان دینی با توجه به مستندات تاریخی قابل نقد است. وجود گزارش‌های تاریخی مبنی بر برخوردهای آمرانه یا ناصحانه و توصیه‌ای از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام، بررسی نقش پوشش یک زن و شکستن حریم وی در وقوع نبرد بنی‌قینقاع، گزارش‌هایی حاوی اعتراض و سرزنش افکار عمومی نسبت به کم‌حجابی یا بی‌حجابی برخی زنان، گزارش‌هایی دال بر تغییر و تحول پوشش زنان پس از نزول آیات حجاب و تأکید بر مسئله پوشش زنان در گزارش‌های تاریخی صدر اسلام بدون آنکه مدلول اصلی گزارشگر مبحث پوشش باشد، نظریه مسئله نبودگی حجاب در صدر اسلام را نقض

می‌کند؛ زیرا اگر پوشش شرعی مسئله و دغدغه نبود نباید گزارش‌هایی از این دست در منابع مهم متقدم ثبت می‌شد. وجود گزارش‌های قابل توجه تاریخی از برخوردهای ایجابی پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در قالب دستور، توصیه و یا دعا برای حجاب زنان و برخوردهای سلبی آنان در قالب روی‌گرداندن از زنان با پوشش نامناسب و سرزنش مردم زمانه خویش به دلیل هتک ستر زنان و عدم مراعات حریم جنسیتی از جمله موارد نقض ادعای مذکور و اثبات‌کننده مسئله بودگی حجاب در صدر اسلام است.

### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- \* نهج البلاغه (۱۴۰۰ ه.ش). مترجمان: جعفری، محمدتقی، شهیدی، سیدجعفر، و دشتی، محمد. مشاهده شده در <http://farsi.balaghah.net/>
۱. ابن راهویه (۱۴۲۴ ه.ق). مسند ابن راهویه. محقق: عبدالغفور عبدالحق. مدینه: مکتبه الایمان.
  ۲. ابن سعد، محمد بن سعد بن منبع (بی تا). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
  ۳. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ ه.ق). تاریخ مدینه دمشق. محقق: شیری، علی. بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
  ۴. ابن ابی الدنیا، عبید بن ابی الدنیا القرشی البغدادی (۱۴۱۴ ه.ق). اصلاح المال. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
  ۵. ابن ابی طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا). بلاغات النساء. بی جا: بی تا.
  ۶. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم (۱۳۶۴). النهایه فی غریب الحدیث والاثار. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
  ۷. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۵ ه.ق). الموضوعات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی تا). فتح الباری. محقق: الخطیب، محب الدین. بیروت: دارالمعرفه.
  ۹. ابن حمدون، محمد بن الحسن (۱۹۹۶). التذکره الحمدونیه. بیروت: دار صادر.
  ۱۰. ابن کنیر، اسمعیل بن عمر (۱۴۰۷ ه.ق). البدایه والنهایه. بیروت: دارالفکر.
  ۱۱. ابن کنیر، اسمعیل بن عمر (۱۴۲۴ ه.ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالمعرفه للطباعه والنشر والتوزیع.
  ۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی (بی تا). سنن ابن ماجه. محقق: محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دارالفکر.
  ۱۳. ابن منظور، علی بن مکرم (۱۴۰۵ ه.ق). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
  ۱۴. ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. بیروت: دارالمعرفه.
  ۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۴۱۵ ه.ق). الاغانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۱۶. ابوداود سجستانی، سلیمان بن الأشعث (۱۴۱۰ ه.ق). سنن ابی داود. محقق: اللحام، سعید محمد. بیروت: دارالفکر.
  ۱۷. ابوسعید منصور بن الحسین (۱۴۲۴ ه.ق). نشر الدر فی المحاضرات. محقق: محفوظ، خالد عبدالغنی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۱۸. احمد بن حنبل (بی تا). مسند احمد بن حنبل. بیروت: دار صادر.
  ۱۹. ازهری، محمد بن احمد (۲۰۰۱). تهذیب اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۲۰. ایازی، محمد علی (۱۳۸۶). نقد و بررسی ادله فقهی الزام حکومتی حجاب. نشریه فقه، ۵۱(۱۴)، ۱۸۷-۲۳۳.
  ۲۱. بخاری، محمد بن اسمعیل (۱۴۰۱ ه.ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
  ۲۲. بغوی، حسین بن مسعود (بی تا). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی). بیروت: دارالمعرفه.
  ۲۳. بوصیری، محمد بن سعید دلاسی (۱۴۲۰ ه.ق). اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره. ریاض: دارالنشر.
  ۲۴. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۴۱۰ ه.ق). شعب الایمان. محقق: ابی هاجر محمد السعید بن بسیونی زغلول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۲۵. بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). سنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
  ۲۶. بیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). معرفه السنن والآثار. محقق: کسروی، سعید حسن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
  ۲۷. پوربهمن، فریدون (۱۳۸۶). پوشاک در ایران باستان. مترجم: ضیاء سیکارودی، هاجر. تهران: انتشارات امیرکبیر.



۲۸. ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۰). حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ. فضای مجازی.
۲۹. جرجانی، عبدالله بن عدی (۱۴۰۹ ه.ق). الکامل. محقق: غزاوی، یحیی. محتار. بیروت: دارالفکر.
۳۰. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ ه.ق). الصحاح. بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۲. الحائری، شیخ جعفر (۱۴۱۰ ه.ق). نهج البلاغه الثانی. بی جا: مؤسسه دارالهجره.
۳۳. حر عاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه. قم: نشر مؤسسه آل البيت ﷺ.
۳۴. حمیری کلاعی، ابوالربیع (۱۴۲۰ ه.ق). الاكتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله ﷺ و الثلاثة الخلفاء. بی جا: دارالکتب العلمی.
۳۵. دزی، راینهارت پیتر (۱۳۸۳). فرهنگ البسه مسلمانان. مترجم: هروی، حسینعلی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. دهقان، مجید... و عشایری فرد، محمد (۱۳۹۸). مقاله حجاب شرعی در روایات شیعی. مجموعه مقالات پژوهش های فقهی حجاب. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
۳۷. ذهبی، شمس الدین محمدبن احمد (۱۴۰۹ ه.ق). تاریخ الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۸. ذهبی، شمس الدین محمدبن احمد (۱۴۲۷ ه.ق). سیر اعلام النبلا. قاهره: دارالحدیث.
۳۹. زبیدی، مرتضی محمدبن محمد (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس. محقق: شیری، علی. بیروت: دارالفکر.
۴۰. زمخشری، محمودبن عمر (بی تا). الفائق فی غریب الحدیث. محقق: علی محمد البجاوی... و محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالمعرفه.
۴۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۳ ه.ق). اللئالی المصنوعه فی الاحادیث الموضوعه. بیروت: دارالمعرفه.
۴۲. شاه سنایی، محمدرضا (۱۳۹۵). جگونی حجاب در عصر نزول قرآن؛ تحلیل و نقد دیدگاه ها. رساله دکتری قرآن و حدیث. دانشکده قرآن و حدیث. دانشگاه قم.
۴۳. شاه سنایی، محمدرضا، طباطبایی، محمدکاظم (۱۳۹۶). بررسی نظریه حجاب حداقلی درباره وضعیت پوشش در عصر جاهلیت و صدر اسلام. نشریه پژوهش های تاریخی، ۵۳(۲)، ۸۹-۱۰۴.
۴۴. شهیدی، جعفر (۱۴۲۰ ه.ق). ترجمه نهج البلاغه. تهران: الشرکه العلمیه و الثقافیه للطباعه و النشر.
۴۵. صدر، شادی (۱۳۸۲). آیا حکومت مسئول بی حجایی است. نشریه زنان، ۱۰۳، ۱۶-۳۲.
۴۶. صدوق، محمدبن علی بن الحسین (۱۴۱۳ ه.ق). من لا یحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی.
۴۷. صنعانی، عبدالرزاق (بی تا). المصنف. محقق: الاعظمی، حبیب الرحمن. بی جا: بی نا.
۴۸. الضبی الاسدی، سیف بن عمر (۱۴۱۳ ه.ق). الفتنه و وقعه الجمل. محقق: احمد راتب عرموش. بی جا: دارالنقاش.
۴۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ ه.ق). المعجم الاوسط. ریاض: دارالحرمین.
۵۱. طبرسی، احمدبن علی (۱۴۰۳ ه.ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ه.ق). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: آل البيت ﷺ.
۵۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان. تصحیح: رسولی، هاشم. تهران: ناصرخسرو.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۴ ه.ق). جوامع الجامع. تصحیح: گرجی، ابوالقاسم. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۵۵. طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الطبری. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
۵۶. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳ ه.ق). دلائل الامامه [منسوب]. قم: بعثت.
۵۷. طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۵ ه.ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالفکر.
۵۸. طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۰۹ ه.ق). التبیان فی تفسیر القرآن. محقق: حمد حبیب قصیر العاملی. بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
۵۹. عشایری منفرد (۱۳۹۳). پوشش زن جاهلی و امکان حجاب شرعی در عصر پیامبر ﷺ. نشریه مطالعات جنسیت و خانواده، ۲۱(۲)، ۳۹-۶۰.
۶۰. عقیلی، محمدبن عمرو (۱۴۱۸ ه.ق). ضعفاء العقیلی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ه.ق). کتاب العین. قم: هجرت.
۶۲. قابل، احمد (۱۳۹۲). احکام بانوان در شریعت محمدی. بی جا: بی نا.
۶۳. قرشی، علی اکبر (۱۴۱۹ ه.ق). مفردات نهج البلاغه. تصحیح: البکایی، محمدحسن. تهران: مؤسسه قبله الثقافیه.
۶۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتب.



۶۵. قیروانی، ابراهیم بن علی الحصرمی (۱۴۱۹ ه.ق). *زهر الآداب و ثمر الالباب*. محقق: طویل، یوسف علی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. محقق: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۷. کدیور، محسن (۱۳۹۱). *خلاصه‌ای از جلسه مجازی پرسش و پاسخ دانشجویان ایرانی دانشگاه بین‌المللی سنگاپور*. مشاهده شده در <https://kadivar.com>
۶۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ه.ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۹. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۷). *فرهنگ مواجهه با بدپوششی در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)*. مشاهده شده در <http://fa.aban.cc/6SQW>
۷۰. مفتاح، محمدهادی (۱۳۸۶). *وظیفه حکومت اسلامی در زمینه بانوان*. مجموعه مقالات حجاب و مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷۱. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ه.ق). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
۷۲. مقاتل بن سلیمان (۲۰۰۲). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. محقق: فرید، احمد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۳. مقریزی، تقی‌الدین (۱۴۲۰ ه.ق). *امتناع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۴. موسوی عقیقی، محمد (۱۳۹۸). *زنان در آرای فقهی-پژوهشی گزارشی پیرامون نگرش فقه اسلامی به حقوق زنان*. تهران: نگاه معاصر.
۷۵. نویری، شهاب‌الدین احمد (۱۴۲۳ ه.ق). *نهایه الارب فی فنون الادب*. قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.
۷۶. ورام‌بن ابی فراس المالکی الاشتهری (۱۳۶۸). *تنبيه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورام)*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷۷. الویری، محسن، و موسوی نیا، سید محمد مهدی (۱۳۹۸). *حریم جنسیتی در صدر اسلام*. کتاب حجاب پژوهی؛ پوشش زنان در زمان پیامبر (ص). قم: دفتر تحقیقات زن و خانواده.
۷۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*. بیروت: دارصادر.